[خطبه‌ی اول 3](#_Toc454083995)

[نماز ورود به حریم کبریایی 4](#_Toc454083996)

[اهمیت رعایت نکات مقدماتی نماز 4](#_Toc454083997)

[مقدمات نماز 5](#_Toc454083998)

[1.وضو 5](#_Toc454083999)

[صورت ملکوتی وضو 5](#_Toc454084000)

[دعای امیرالمومنین7 در هنگام گرفتن وضو 6](#_Toc454084001)

[نکات تربیتی در این روایت 7](#_Toc454084002)

[رسیدن به حقیقت وضو در گرو خواندن دعاهای آن 8](#_Toc454084003)

[صورت ملکوتی وضوی امیرالمومنین7 از زبان خود 9](#_Toc454084004)

[فزونی دائمی ملائلکه 9](#_Toc454084005)

[تبیین حقیقت وضو 10](#_Toc454084006)

[اهمیت وضوی قبل از خواب 10](#_Toc454084007)

[حدیثی دیگر از امیرالمؤمنین7 10](#_Toc454084008)

[مهر تایید علوم مادی به اثرات معنوی عبادات 11](#_Toc454084009)

[وضو عبادتی مانند بقیه‌ی عبادات 11](#_Toc454084010)

[خلاصه‌ی سخن 11](#_Toc454084011)

[خطبه‌ی دوم 12](#_Toc454084012)

[دخالت نظامی آمریکا در عراق 13](#_Toc454084013)

[عوامل شکست آمریکا در عراق در فاز اول 13](#_Toc454084014)

[1.نفرت عمومی 13](#_Toc454084015)

[2.اعلام موضع کشورهای منطقه در قبال دخالت نظامی آمریکا 14](#_Toc454084016)

[3.قدرت‌های فرامنطقه‌ای 14](#_Toc454084017)

[فاز دوم حمله‌ی نظامی آمریکا به عراق 14](#_Toc454084018)

[فرضیه‌های موجود در مورد دخالت نظامی آمریکا 15](#_Toc454084019)

[صدام زاییده‌ی آمریکایی‌ها 15](#_Toc454084020)

[طالبان زاییده‌ی آمریکا 16](#_Toc454084021)

[اهداف کلان آمریکا از طرح این مسائل 16](#_Toc454084022)

[تضعیف ارکان ایمانی مردم توسط مسولین کشور 18](#_Toc454084023)

[نکاتی در رابطه با منطقه 18](#_Toc454084024)

[**دعا** 19](#_Toc454084025)

**خطبه‌ی اول**

السلام علیکم و رحمة الله

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیۀ الله فی الارضین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) (وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی)[[3]](#footnote-3)**

همه شما نماز گزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

**نماز ورود به حریم کبریایی**

گرچه در خطبه‌های قبل بحث نماز را که مدتی قبل مطرح کرده بودیم، رها کردیم و به بعضی بحث‌های دیگر پرداختیم، اما امروز دوباره به بعضی از مباحث مربوط به نماز می‌پردازیم. در باب خود نماز و کلیات ارزش و جایگاه و موقعیت نماز در میان عبادات دیگر، با عنوان حلقه‌ی وصل انسان با حضرت حق با استناد آیات شریفه‌ی قرآن و احادیث، مطالبی را عرض کردیم و این نکته را همه می‌دانیم که نماز به دلیل اینکه ورود در بارگاه خداوند و انسان با تکبیرةالاحرام، وارد حریم کبریای الهی می‌شود نماز، حریم کبریای الهی به شمار می‌آید. بارگاه و درگاه عظمت حضرت حق است و به همین دلیل، برای ورود به دستگاه و حریم کبریایی حضرت حق نیازمند به یک سری مقدماتی هست.

**اهمیت رعایت نکات مقدماتی نماز**

در دین و شرع، برای ورود به این حریم کبریایی یک مراحل مقدماتی مقرر شده که عمده‌ترین آن‌ها طهارت هست که عمدتا در قالب وضوء محقق می‌شود. بعد از وضو اذان و اقامه و سایر مقدماتی برای ورود در نماز لازم است. سرّ اینکه برای نماز این مقدمات قرار داده شده، این است که نماز همان تشرف به حریم کبریایی الهی است؛ وارد شدن به دستگاه عظمت و جلال و جبروت خداوند است. ورود به این دستگاه، نیازمند آمادگی‌هایی است. چطور وارد شدن به محضر شخص بزرگی که جایگاه مهمی دارد، نیازمند مقدماتی است در اینجا هم همین طور است. برای اینکه انسان وارد جای خوب و بزرگی شود یا به محضر یک انسان بزرگی مشرف شود، تمهیداتی باید فراهم شود؛ حالا نماز تشرف به محضر مبدأ عالم است.

نماز تشرف به حضرت حق و موجود برتر از توصیف و تمجید ماست. این تشرف هم مقدماتی خواهد داشت. از این جهت است که در کتاب‌های اخلاق و در کتاب‌های عرفا به استناد روایات و احادیث شریف روی این مقدمات نماز خیلی حرف زده شده، مقدمات نماز آدابی دارد حکمت‌هایی دارد، فلسفه‌هایی دارد و اسرار مهمی دارد که به همان دلیل بر آن مقدمات در روایات ما تأکید شده است.

به همین دلیل همان طور که اولیاء الهی و بزرگان، در حال نماز و در حال ورود به حریم کبریای الهی احوال و روحیات خاصی داشتند و از نظر روحی، انقلاب روحی، عاطفی و ذهنی در وجود آن‌ها پیدا می‌شده است، همان حالات برای بزرگان در وضو، در ورود وقت و در هنگام اذان و اقامه و امثال این‌ها دست می‌داده است. این هم به خاطر این است که حریم کبریای الهی آن قدر عظمت دارد که نه تنها خود نماز، آدم‌ها را باید منقلب کند؛ زیر و رو کند؛ روحیات آن‌ها و فکر و عالم ذهن آن‌ها را متحول کند، مقدمات نماز هم باید همین وضعیت را داشته باشد. از همین جهت هست که در خصوص ائمه طاهرین: و شخص رسول گرامی اسلام(ص)، در روایات نقل شده همان طور که در نماز رنگشان تغییر می‌کرد؛ حالاتشان منقلب می‌شد و یک وضع غیر عادی پیدا می‌کردند، در هنگام وضو، در هنگام اذان و اقامه و در هنگام ورود وقت نماز هم همان حالات به آن‌ها دست می‌داده است. این نشان می‌دهد که مقدمات نماز هم دارای اهمیت است و به همان اندازه که برای نماز اهمیت می‌دهیم، باید به مقدمات هم اهمیت بدهیم و آن مقدمات را پله‌هایی بدانیم که ما را وارد نماز می‌کند. انسان‌ها باید نماز را بام و کرسی عبادت خدا تلقی کنند و مقدمات را پله‌هایی بداند که انسان را به آن جایگاه بلند می‌رساند. این مقدمات نماز است.

**برخی از مقدمات نماز**

از این جهت، وقتی وارد روایات شویم و بخواهیم در باب مقدمات نماز مطالعه کنیم، می‌بینیم که خیلی از مطالب راجع به این مقدمات گفته شده است که از امروز به برخی از مقدمات نماز اشاره خواهیم کرد.

1. **وضو**

امروز به اولین مقدمه‌ی نماز که وضو است می‌پردازیم و در هر جلسه‌ای قسمت‌های دیگری از مقدمات نماز را به تدریج و ترتیب بیان خواهیم کرد. وضو که طهارت،حاصل و نتیجه‌ی آن هست، از مقدمات نماز است‌؛ یعنی یکی از مقدمات واجبی که برای ورود نماز لازم است وضوست. لازم است که اینجا به این نکته اشاره کنم که مقدمات نماز به دو قسم، تقسیم می‌شود؛ مقدماتی واجب است؛ مثل خود وضو و مقدماتی که مستحب است؛ مثل اذان و اقامه که قول مشهور می‌گویند مستحب است البته بعضی نیز واجب می‌دانستند. بنابراین ما یک سری مقدمات واجب داریم و یک سری مقدمات مستحب که وضو از مقدمات واجب نماز است؛ یعنی در واقع طهارت از مقدمات واجب نماز به شمار می‌آید که یا با غسل حاصل می‌شود یا با وضو. وضو طهارت لازم را برای ورود به حریم کبریای الهی و تشرف در محضر حق ایجاد می‌کند. این نتیجه‌ی وضوست. در باب وضو یک سری احکام داریم که در رساله‌ها و فقه آمده که سر جای خود بحث می‌شود.

***صورت ملکوتی وضو***

همان طور که نماز یک لایه‌ی سطحی دارد که از قرائت، تجوید، احکام و مسائل تشکیل شده است؛ یک لایه‌ی عمقی هم دارد که به آن اسرار نماز می‌گویند و آن صورت ملکوتی نماز است. وضو هم همان وضعیت را دارد، وضو به عنوان یک مقدمه‌ی لازم و طهارت، به عنوان شرط ضروری برای ورود در نماز و درگاه و حریم کبریای الهی، یک ظاهری دارد که در فقه راجع به آن سخن گفته شده و به تعبیر بزرگان یک صورت ملکوتی و حقیقت غیبی دارد که آن حقیقت غیبی، اسرار وضو را تشکیل می‌دهد؛ یعنی همان طور که نماز یک حقیقت غیبی دارد که در قیامت، آن حقیقت مجسم می‌شود \_ اصلا انسان‌ها اعمال خود را در قیامت می‌بینند. نماز هم یک حقیقت نورانی دارد که در روز قیامت و در عالم غیب، تجسم دارد. اصلا وجود مستقلی دارد.\_ از روایات این طور استفاده می‌شود که وضو که طهارت به انسان می‌دهد؛ آمادگی به انسان می‌دهد که وارد در حریم کبریای الهی شود، یک حقیقت و اسراری دارد که بخش‌های زیادی از آن پیش ما معلوم و مشخص نیست، برای اینکه مقداری آماده‌ی فهم حقیقت وضو و دریافت اهمیت وضو در هنگام ورود به نماز، باشیم به بعضی از روایات اشاره می‌کنم.

**مطلوبیت ذاتی وضو**

البته قبل از آن عرض کنم که وضو به طورکلی خودش مطلوبیت دارد؛ حتی اگر برای نماز هم نباشد و تجدید وضو هم خودش مطلوبیت دارد که در روایات از « **نُورٌ عَلى‏ نُورٍ»** تعبیر شده است. کسی که وضو دارد باز هم وضو بگیرد « **نُورٌ عَلى‏ نُورٍ»** است. همین روایت نشان می‌دهد که حقیقت وضو، نور است؛ طهارت حاصل از وضو نور است. دقیقا مثل اینکه شما نور مادی دارید، در عالم معنا هم انواری وجود دارد و وضو نور معنوی است. اصل وضو، دائم الوضو بودن، تجدید وضو، تلاش به اینکه در همه‌ی احوال انسان حتی الامکان دارای طهارت باشد، حتی اینکه وقت خواب انسان با وضو بخوابد، این‌ها احکامی که در رساله‌ها دیدید و جزو آداب و احکام وضو هست.

همه‌ی اینها نشان می‌دهد که وضو، نور معنوی است که در همه‌ی حالات برای انسان می‌تواند دست آوردهای مثبتی داشته باشد؛ چون نور است و شرط لازم نماز است که این طهارت حاصل شود. این احکام نشان می‌دهد که وضو را در همه‌ی احوال، از جمله برای نماز، نباید دست کم گرفت؛ نورانیت دارد.

***دعای امیرالمومنین***(ع) ***در هنگام گرفتن وضو***

برای اینکه حقیقت وضو، آن هم وضویی که قوامش به نیت پاک و رعایت همه‌ی شرائط وضو هست، مقداری روشن‌تر شود، حدیثی را که در کافی و در من لا یحضر الفقیه نقل شده\_ که حدیث طولانی‌ای است من یک قسمتی از این حدیث را در باب وضو\_ می‌خوانم تا به اهمیت و نورانیت وضو مقدار توجه بیشتری داشته باشیم.

این حدیث طولانی است که قسمت‌هایی از آن را نقل می‌کنم. نقل شده روزی امیرالمؤمنین(ع) نشسته بودند و محمد حنفیه هم آن‌جا کنار حضرت نشسته بود. محمد را صدا زدند و فرمودند: آب بیاور تا من وضو بگیرم. محمد حنفیه می‌گوید: من آب آوردم تا حضرت، وضو بگیرد.‌ حضرت وضو گرفتند وضویی که همه‌ی آداب و خصوصیات کامل وضو را داشت. دعاهایی که در حالات وضو نقل شده؛ هر کدام از آن دعاها اثرهای خاص خودش را دارد. نباید اینها را دست کم گرفت. اینجا حضرت یک وضوی کامل می‌گیرند و این در حالی است که احتمالا حضرت، نگاه تربیتی داشتند و می‌خواستند فرزندشان هم یاد بگیرد.

***نکات تربیتی در این روایت***

این وظیفه‌ی ماست که در خانه، در اعمال و رفتارمان دائم نگاه آموزندگی و تربیتی به فرزندانمان داشته باشیم و خیلی جالب است که در این سیره امیرالمؤمنین(ع) در خانه گفتند: آب بیاور و در واقع او را کشاندند که وضوی پدر را تماشا کند. نگاه تربیتی دارد و تربیت هم فقط به این نیست که انسان امر و نهی کند. تربیت به این است انسان کاری کند که او الهام و الگو بگیرد. حضرت فرزند خود را آوردند و یک وضوی کاملی گرفتند که فرزندشان هم این وضو را یاد بگیرد. حضرت وقتی که وضو می‌گرفتند در هر حالی دعاهایی خواندند که آن دعاهای وضو که مفصل است قسمتی از آن در رساله‌ها آمده و در بعضی جاها چاپ و منتشر شده است. ابتدا خواندند: **« اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذى جَعَلَ الْمآءَ طَهُوراً وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجِساً»**[[4]](#footnote-4) و همین طور دعاهایی که در وضو هست؛ چون خود وضو هم مقدماتی دارد. دست را بشویند؛ آب را مضمضه کنند. هنگامی که آب را مضمضه کردند فرمودند: « **اَللّهُمَّ لَقِّنى حُجَّتى يَوْمَ أَلْقاكَ وَأَطْلِقْ لِسانى بِذِكْراكَ»[[5]](#footnote-5)** و بعد استنشاق کردند و در استنشاق آن دعا را خواندند و بعد صورت خود را که شستند این دعا را خواندند: **« اَللّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهى يَوْمَ تَسْوَدُّ فيهِ الْوُجُوهُ وَلا تُسَوِّدْ وَجْهى يَوْمَ تَبْيَضُّ فيهِ الْوُجُوهُ**»**[[6]](#footnote-6)** آب را که روی صورت ریختند این دعا را خواندند که معنایش این است: خدایا آن روز که چهره‌ها سفید می‌شود مرا هم روسفید قرار بده. آن وقت که چهره‌ی کافران و ملحدان و ناصالحان سیاه می‌شود، چهره مرا سیاه قرار مده. بعد وقتی که آب را به دست راست ریختند، این دعا را خواندند: « **اَللّهُمَّ اَعْطِنى كِتابى بِيَمينى وَالْخُلْدَ فِى الْجِنانِ بِيَسارى وَحاسِبْنى حِساباً يَسيراً»[[7]](#footnote-7)** خدایا نامه‌ی اعمالم را در قیامت به دست راستم بسپار. وقتی هم که آب را به دست چپ می‌ریختند این دعا را خواندند: **« اَللّهُمَّ لا تُعْطِنى كِتابى بِشِمالى وَلا مِنْ وَرآءِ ظَهْرى وَلا تَجْعَلْها مَغْلُولَةً اِلى عُنُقى وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ مُقَطَّعاتِ النّيرانِ»[[8]](#footnote-8)** خدایا نامه‌ی اعمالم را به دست چپم مده، و مرا از آن آتش‌های فروزانی که انسان را در قیامت قطعه‌قطعه می‌کند، نجات بده. در هنگام مسح هم آن دعا را خواندند: « **اَللّهُمَّ غَشِّنى رَحْمَتَكَ وَبَرَكاتِكَ»[[9]](#footnote-9)** و مسح پا هم دعا را خواندند و این وضوی کامل را گرفتند.

حضرت به فرزند خود می‌فرمایند: آب بیاور و تماشا کن و من وضو می‌گیرم، وضویی که اول دست را شستند؛ استنشاق کردند؛ تمضمض کردند و بقیه‌ی اعمال را انجام دادند؛ ولی همراه با این وضو که به صورت ظاهری عمل می‌کردند این دعاها را خواندند. این دعاهایی که در اعمال مختلف وضو آمده، اشاره به اسرار وضوست. آن دعاها به خاطر این است که روح، آماده شود که آن طهارت را از وضو تحصیل کند؛ چون وضو، بی‌جهت نور معنوی نمی‌شود. وقتی وضو نورانیت معنوی را ایجاد می‌کند که همراه با درک و آگاهی باشد. این دعاها به انسان آگاهی می‌بخشد. انسان را به اسرار وضو، به عنوان مقدمه‌ای برای ورود به حریم کبریایی الهی آماده می‌کند. با این نگاه باید به وضو نگاه کرد. وضویی که مرا آماده می‌کند که نوری پیدا کنم تا با آن نور وارد حریم کبریایی خدا شوم؛ وارد حرم حضرت حق بشوم؛ وارد گفتگوی با حضرت معبود شوم.

***رسیدن به حقیقت وضو در گرو خواندن دعاهای آن***

این فلسفه‌ی وضوست و حقیقت وضو هم چیزی فراتر از عمل‌های ظاهری است که به چشم می‌آید. این دعاها برای این است که ما را به آن حقیقت منتقل کند؛ این دعاها برای این است که ما را به آن اسرار آگاه کند. هر دعایی هم تناسبی با همان عضوی دارد که شسته می‌شود؛ صورت که می‌شوید دعای مناسبش خوانده می‌شود. معلوم می‌شود که ریختن این آب بر روی صورت، با قصد اخلاص و برای آماده شدن برای نماز و گفتگوی با خداست. این فقط ظاهرش نیست، یک معنای عمیقی دارد. آب ریختن وقتی همراه با قصد اخلاص و قربت شد، در واقع چهره‌ی معنوی انسان را نورانی می‌کند؛ صورت انسان را در پیشگاه خدا منور می‌کند و همین طور در اعمال دیگر که دعاها به تناسب خودش انتخاب شده و هر دعایی نشان می‌دهد که باید به این حقیقت، توجه باشیم، و هر دعایی به انسان توجه می‌دهد که باید به حضرت حق قصد تقرب داشت. این دعاها را خواندند و یک وضوی کامل را به فرزندشان آموختند. این یک نکته‌ی مهم تربیتی برای تربیت فرزندان است. فقط نمی‌شود گفت این کار را بکن و نکن. باید درست عمل کرد تا بچه یاد بگیرد و اینجا حضرت مقابل فرزندش وضوی کاملی می‌گیرد تا او هم یاد بگیرد. این حدیث طولانی است که من برخی از دعاهایش را خواندم. هم اعمال واجب وضو دعاهایی دارد، خیلی کوتاه است و حفظ کردنش راحت است و هم اعمال مستحبی. این یک وضوی کامل شد. حضرت امیرالمؤمنین(ع) در مقابل فرزندشان یک وضوی کامل با دعاها و آداب کامل به جا آوردند و به او نشان دادند.

***صورت ملکوتی وضوی امیرالمومنین*(ع)** ***از زبان خود***

در آخر روایت یک جمله‌ی تکان دهنده وجود دارد که آن جمله‌ی زیبا و بزنگاه این حدیث شریف، این جمله‌ی آخر است. بعد می‌گوید: بعد از این که مقدمات طی شد؛ خطاب کرد به فرزندی که وضوی تمام عیار پدر را دیده، به فرزند خود این طور می‌فرمایند: « **یا مَحَمَّدُ مَنْ تَوَضّأ مِثْلُ وُضُوئی وَ قالَ مِثْلَ قَولی ، خَلَقَ الله تَباركَ وَ تَعالی مِنْ كُلِّ قَطْرَة ٍ مَلِكاً یُقَدِّسُهُ وُ یُسَبِّحُهُ وَ یُكَبِّرُهُ ، فَیَكْتُبُ اللهُ ـ عَزَّوَجَلَّ ـ ثَوابَ ذلكَ لَهُ اِلی یَومِ الْقِیامَةِ»[[10]](#footnote-10)** این جای هیچ تعجبی ندارد. اگر این وضویی که علی گرفت، با آن اذکار و دعاهایی که در هنگام شستن صورت و دست و مسح از حضرت نقل شده، کسی در آن اوج و با آن قصد یک وضو از او صادر شود، حضرت می‌فرماید: کسی که مثل من وضو بگیرد، این طور که من اینجا وضو گرفتم و دعاهایی که من در این اعمال وضو خواندم، بخواند خداوند از هر قطره‌ی آبی که از دست او می‌ریزد ملکی را خلق می‌کند که تا قیام قیامت خدا را تقدیس و تسبیح و تکبیر و تمجید می‌کند. از هر قطره‌ی آب وضویی با این ویژگی‌ها، ملکی خلق می‌شود که تا قیام قیامت تسبیح و تکبیر می‌کند و در قبال هر تسبیح و تکبیر، ثوابی هم برای این شخص وضو گیرنده ثبت و ضبط می‌شود. این هیچ جای تعجبی ندارد؛ اما شرط آن این است که وضوی علی باشد و دعا از قلبی خالص و پاک مانند قلب امیرالمؤمنین(ع) و در همان صراط و مسیر باشد.

***فزونی دائمی ملائلکه***

آن چه که از روایات معلوم می‌شود خلق دائم ملائکه است؛ یعنی در عالم غیب و در عالم ماورای مادی، تزاحمی نیست؛ دائما ملائکه در تجدد خلقند و بر عدد و رقمشان افزوده می‌شود. این روایت هم یکی از شواهد همان نظریه است که ملائکه با آن معنا و مقدماتی که در جای خودش هست دائما فزونی پیدا می‌کنند. این روایت هم همین را نشان می‌دهد.

***تبیین حقیقت وضو***

اگر وضو، این طور و با آن دعاها از کسی صادر شود، آن وقت در قبال هر کدام از عمال و دعای او، ملکی خلق می‌شود که خدا را تسبیح می‌کند و او وصل به تسبیح و تقدیس و تمجید و تکبیر آن ملک می‌شود. این حقیقت وضو است. اینکه وضو نور است و این نور انسان را آماده می‌کند تا وارد حریم خداوند شود، معنایش این است؛ منتها نور شدن وضو به این نیست که روی غفلت انسان، آبی به دست و صورت بزند. آن عمل ظاهری است و حد فقهی‌، انسان به تکلیف عمل کرده؛ اما اگر کسی بخواهد به درجات عبودیت حق سلوک پیدا کند و به درستی وارد نماز شود، چنین وضویی لازم است. اگر این وضو برای نماز هم نباشد، نور است. عرض کردم در همه‌ی احوال وضو داشتن مستحب است. این طهارت به انسان نورانیت می‌بخشد.

***اهمیت وضوی قبل از خواب***

حتی قبل از خواب \_آن طور که از روایات بر می‌آید و کار ساده‌ای هست\_ اگر کسی مقید باشد که وضو بگیرد، می‌گوید در تمام خواب، انسان حکم انسان وضودار و متوضأ را دارد و بخصوص که ممکن است در خواب، مرگ او فرا برسد و به لقاء خدا برود. خیلی مطلوب است که انسان با وضو به لقاء خدا برود و با مرگ ملاقات کند و به همین خاطر است که قبل از خواب، وضو توصیه شده است. وضو نوری است با همین شکلی که عرض کردم؛ منتهی چند چیز مهم است اولا انسان باید به اذاکار و دعاهای وضو توجه کند و از همه‌ی این‌ها مهم‌تر این است که قصد قربت و اخلاص، در وضو داشته باشد.

***حدیثی دیگر از امیرالمؤمنین*(ع)**

این حدیث هم در باب وضو از امیرالمؤمنین(ع) نقل شده که می‌فرمایند: « **مَا مِنْ‏ مُسْلِمٍ‏ يَتَوَضَّأُ فَيَقُولُ‏ عِنْدَ وُضُوئِهِ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِين**‏»[[11]](#footnote-11) حضرت می‌فرمایند: هیچ کسی نیست که وضو بگیرد و این دعا را بخواند مگر این که در یک طوماری وضوی او ثبت می‌شود و بر او مهر زده می‌شود و این طومار در زیر عرش خدا نهاده می‌شود تا اینکه طومار را روز قیامت به دست او بدهند. یعنی وضو، حقیقت ملکوتی دارد. وضو فقط این اعمال ظاهری گذرا و تمام شونده نیست. این اعمال یک حقیقتی را ایجاد می‌کند که در بارگاه خدا حفظ می‌شود و در روز قیامت همان نورانیت به شخص آدمی بر می‌گردانند. یک چنین ویژگی‌ایی دارد. هیچ نباید تعجب کرد که چطور شده این عمل‌ها با این ترتیب که انجام می‌پذیرد، این نورانیت را درست می‌کند.

***مهر تأیید علوم مادی به اثرات معنوی عبادات***

این مثل ترکیبات شیمیایی است که اگر دو ماده را این طور ترکیب کنید این طور می‌شود؛ به طریق دیگری ترکیب کنید طور دیگری می‌شود. هیچ جای تعجبی ندارد. اتفاقاً علم نشان می‌دهد که همه‌ی این‌ها امکان‌پذیر است و همه‌ی این‌ها شدنی است. پیشرفت‌های علم فیزیک و شیمی و روانشناسی و روانکاوی نشان می‌دهد این اعمال در روان ما تأثیرات می‌گذارد. غوغاست از تأثیرات روانشناسی و روانکاوی که نشان می‌دهد اعمال ما کم و بیش، یک چیزهای خاصی را در عالم درون ما تولید می‌کند. وضو با این ترتیب، با این مقدمات، با این دعاها یک ترکیبی می‌شود که در عالم غیب و در پیشگاه خدا یک نور ایجاد می‌کند. این نور، در این دنیا به انسان قابلیت می‌دهد که به پیشگاه خدا برود؛ با خدا سخن بگوید و در قیامت این نور ضبط می‌شود و به سراغ انسان می‌‌آید. این دو روایت در باب وضو بود.

***وضو عبادتی مانند بقیه‌ی عبادات***

علاوه بر اینکه وضو احکام فراوانی دارد و در همه حال، مستحب است و برای نماز شرط لازم است و علاوه بر این که در اسرار وضو و دعاهای وضو ابواب نورانی و ملکوتی به روی انسان گشوده می‌شود و روایت هم کم نداریم، وضو دارای نوری است و در عالم ملکوت نور الهی است. به همین دلیل است که در وضو هم همان حالات نماز، برای ائمه‌ی طاهرین: نقل شده است؛ یعنی همان حالت‌های عجیب، اینکه رنگشان می‌پرید؛ زیر و رو و منقلب می‌شوند. در نماز تحول روحی در بزرگان حق پیدا می‌شد. همین‌ حالات در باب وضو هم گفته شده است. وضو یک عبادت، با همه‌ی معنای عبادت است؛ دارای نورانیتی مانند دیگر عبادت‌هاست و صورت ملکوتی دارد. وقتی که با نیتی پاک، با دلی مستعد و برای تقرب به خدا و با اذکار و اورادی که نقل شده، انجام بگیرد، آن وقت آن نتایج هم برایش مترتب می‌شود. این وضوست که برای ورود به نماز، انسان را آماده می‌کند.

***خلاصه‌ی سخن***

جمع سخن و حاصل کلام این است؛ همان طور که اصل نماز، ورود به حریم کبریایی خداست برای این ورود، مقدماتی لازم است. بعضی از این مقدمات، واجب است و بعضی مستحب و از مهم‌ترین مقدمات نماز، طهارت است. یکی از راه‌های حصول طهارت، وضوست؛ اما وضو مانند سایر عبادت‌ها، در همه‌ی احوال مستحب و برای نماز واجب است. وضو مثل نماز روح و باطن دارد و صورت غیبی و ملکوتی دارد و حقیقت آن نوری است که انسان را مستعد می‌کند که به پیشگاه خدا برود. بدون این نور امکان تشرف و حضور در پیشگاه خدا نیست. این فلسفه‌ی وضوست که بخشی از آن در این دو حدیث شریف ملاحظه شد. من اینجا می‌خواهم توصیه‌ای عرض کنم و آن این نکته است که دوام وضو، دائم الوضو بودن را تا جایی که امکان دارد، ترک نکنید. به انسان نورانیت می‌دهد؛ یک صفا و طهارت باطنی به انسان می‌دهد که آثارش هم در دنیا و هم در آخرت ظاهر می‌شود؛ البته برای وضو آثار دنیایی و وضعی هم ذکر شده که بعدا عرض می‌کنم. اما اصل آن نورانیت است. خوب است که انسان همیشه وضو داشته باشد تا آنجایی که امکان دارد. و کسانی بودند که بی‌وضویی برای آن‌ها در حداقل عمرشان بوده و اکثر عمرشان در حال وضو بودند و به خصوص قبل از خواب و در عبادات، وضو یک امر مستحبی است که جا به جا تأکُد پیدا می‌کند اما برای نماز وضو یک معنای دیگری دارد و لذا حتی اگر برای نماز وضو داشته باشد، یک وضوی خاص بگیرد. این تأکد دارد؛ برای اینکه وضوی نماز، آمادگی برای تشرف در حریم کبریای الهی است. آن وقت این وضو وقتی که با آن ذکرهای کوتاه همراه شود، فلسفه پیدا می‌کند و معنی‌دار می‌شود. همه‌ی وضوها در یک سطح نیست، وضوی ما مثل نماز ما، تابع معرف ماست. به همان اندازه که معرفت داریم، به همان اندازه که عشق داریم، به همان اندازه که انگیزه‌ی پرواز در عالم غیب و شهود حضرت حق داریم، به همان اندازه عبادت‌های ما معنی‌دار می‌شود و وضو هم به همین صورت. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از پاکان و متطهران و بندگان خالص خود و کسانی که به اسرار نماز و اسرار و لایه‌های عمیق و باطنی نماز و وضو و طهارت توجه کرده‌اند قرار بدهد.

**بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ \*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ)[[12]](#footnote-12)**

صدق الله العلی العظیم.

**خطبه‌ی دوم**

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[13]](#footnote-13)عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله**

بار دیگر همه‌ی شما نمازگزاران؛ برادران و خواهران بزرگوار و خودم را به تقوای الهی و پارسایی، خویشتن‌داری، اصلاح نفس، تهذیب اخلاق، دوری از هواها و هوس‌های نفسانی و عمل به وظایف الهی سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم به برکت اولیاء خودش همه‌ی ما را از شایستگان و وارستگان در پیشگاه خودش قرار بدهد.

چند نکته را مسائل کلی جهانی و یکی دو نکته‌ی ریزتری در خطبه‌ی دوم تقدیم محضرتان خواهم کرد.

**دخالت نظامی آمریکا در عراق**

در دنیای اسلام و در مسائل بین المللی همچنان مباحث مربوط به عراق و آنچه که آمریکا آن را دارد تعقیب می‌کند. در رسانه‌های گروهی دنیا، امری مطرحی است و کم و بیش همه در جریان تحولات و مسائلی که در حال اتفاق افتادن هست، قرار دارید. آمریکا در یک مرحله، تلاشی به عمل آورد که بدون مقدماتی که الان طی می‌شود، در عراق دخالت نظامی کند. آمریکایی‌ها در طول چند ماه زمینه‌سازی‌های فراوانی به عمل آمد؛ اقدام‌های زیادی به عمل آوردند تا اینکه دنیا را در حمله‌ی نظامی به عراق همراه خود کنند. در فاز اول به صورت ظریفی شکست خوردند و علتش این بود که گمان می‌کردند با هیمنه‌ای که امروز آمریکا برای خود دست و پا کرده و سیطره‌ی نظامی و تبلیغاتی‌ایی که امروز برای خود در دنیا ایجاد کرده، می‌توانند بدون طی این مسیرهایی که امروز انجام می‌شود، در عراق اقدامی انجام بدهند که در فاز اول شکست خوردند. البته با ظرافت از کنارش عبور کردند.

**عوامل شکست آمریکا در عراق در فاز اول**

1. ***نفرت عمومی***

سِرّ شکست‌ آمریکایی‌ها در فاز اول این بود که اولا در نظرسنجی‌هایی که در دنیا داشتند به خوبی به این نکته وقوف پیدا کردند که در قبال حرکت‌های سیطره‌جویانه و بی‌‌حساب و کتاب آن‌ها یک نفرت عمومی در دنیا علیه آن‌ها وجود دارد. خود آن‌ها هم و در بعضی رسانه‌های غربی و چند کشور عربی و خاورمیانه و جهان اسلام، نظر سنجی‌هایی به عمل آورده بودند که در چند ماه قبل منتشر شد، آن نظر سنجی‌ها نشان می‌داد که تقریبا هفتاد درصد نفرت عمومی در جهان اسلام و خاورمیانه نسبت به آمریکا وجود دارد. این یک جهت بود که این افکار عمومی دنیای اسلام، موجب شد که این‌ها را متوقف کند و همین نشان می‌دهد که بحث افکار عمومی و توجیه افکار عمومی و همین اعلام نظر در دنیای اسلام در قبال ستمی که بر آن‌ها می‌رود، کارساز است.

1. ***اعلام موضع کشورهای منطقه در قبال دخالت نظامی آمریکا***

به استناد همین افکار عمومی قدرت‌های منطقه، دولت‌هایی که وابسته به خود آمریکا بودند، بر حسب مصالح خود اعلام موضع کردند و آمریکا را از دخالت یک جانبه و بی‌مقدمه سازمان ملل و شورای امنیت برحذر داشتند. این هم به دنبال افکار عمومی عامل دوم بودند

1. ***قدرت‌های فرامنطقه‌ای***

عامل سوم، قدرت‌های فرامنطقه‌ای و بیرون از منطقه بود. مواضعی که روسیه و برخی از کشورهای اروپایی مثل فرانسه و کم و بیش مثل چین داشتند. همان قدرت‌هایی که آمریکا روی بزرگ شدن آن‌ها هم حساس است و تلاش می‌کند در قرن بیست و یک،م قطب‌های قدرت‌هایی مثل اروپا و روسیه و چین را مهار کند. این قطب‌های قدرت هم در سازمان ملل مقابل آن طرح اولیه‌ی آمریکا مقاومت کردند. اینها سه چهار عاملی بود که افکار عمومی درون منطقه و حساسیت‌های قدرت‌های بیرون منطقه و مواضعی که قدرت‌ها و دولت‌ها در منطقه داشتند، دولت‌های مختلفی که بعضی‌ از آن‌ها وابسته به آمریکا بودند و جزو اتباع خود آمریکا هستند. این سه چهار عامل باعث شد که آمریکا در آن مرحله، عقب‌نشینی کند. خیلی تبلیغات می‌کردند؛ خیلی سر و صدا می‌کردند؛ اما در آن مرحله موفق نشدند و به هر حال این فشار افکار عمومی و جهانی موجب شد که آمریکا، بیاید و در چهارچوب و سیکل و روند شورای امنیت و سازمان ملل قرار بگیرد.

**فاز دوم حمله‌ی نظامی آمریکا به عراق**

آمریکا بعد از شکستی که در فاز اول متحمل شد، فاز دوم را شروع کرد. در این قسمت، قطعنامه‌ای تصویب شد. قطعنامه 1441 در شورای امنیت و آن قطعنامه اوج خفت برای صدام بود. معنای قطعنامه این است که صدام نمی‌تواند هیچ حاکمیتی در کشور خود داشته باشد و قطعا این طعم تلخ جنایت‌هایی است که صدام کرده و به دو کشور ،بی‌هیچ مجوز بین المللی و قانونی حمله کرد و آن همه جنایت کرد. آن هم جنایت‌های بشری، قتل عام‌ها، کاربرد سلاح‌های شیمیایی. قطعا این‌ها در پیش خدا بازتاب‌هایی خواهد داشت و این خفت و زاری‌ایی که در جنگ خلیج‌فارس تحمیل شد و امروز هم با این قطعنامه بر او تحمیل شد، نتایج آن است. پیرو آن، قطعنامه‌ی دیگری به سازمان ملل و شورای امنیت رفت و در حال بررسی است. البته حدس‌ها بیشتر بر این است که هم عراق آن صداقت را نداشته و نخواهد داشت که همه چیز را بگوید و هم آمریکا. با توجه به آن همه حرفی که زده، باید اقدامی کند و به احتمال قوی‌تر همین طور می‌شود. گرچه احتمالات مقابلی هم دارد که یک ساخت و پاخت پشت پرده‌ای شود و جنگ روی ندهد یا به روش دیگری، تغییری در آن‌جا حاصل شود.

***فرضیه‌های موجود در مورد دخالت نظامی آمریکا***

برای دخالت آمریکا، چهار پنج فرضیه وجود دارد که بیشتر به ذهن می‌آید. ولی علی‌رغم همه‌ی این‌ها باز افکار عمومی دنیا این دخالت نظامی را نمی‌پذیرد. درست است که افکار عمومی دنیا و هر آدم منصفی در دنیا این را می‌فهمد که رفتار و کردار صدام و حزب بعث قابل اعتماد نیست؛ تجربه هم این را نشان داده است. در پرونده حکومت صدام، یک تاریخ پر از زجر و شکنجه‌ی عراق و ظلم و ستم ثبت و ضبط شده است و این پرونده بسیار تاریک است و بر رفتار و کردار و تعهدهای او اصلا نمی‌شود اعتماد کرد. کسی که بر خلاف موازین بین المللی قرارداد 1975 را در خصوص مرز با ایران جلو تلویزیون پاره کند و بعد بدون هیچ مجوزی به یک کشور حمله و تسخیر کند؛ این چیزی نیست که کسی آن را قبول کند و حق هم همین هست که طعم خفت‌ها و تلخی و شکست‌ها را بچشد.

***صدام زاییده‌ی آمریکایی‌ها***

نقطه‌ی کور قضیه این است که وجدان‌های منصف دنیا نمی‌توانند مواضع متناقض را از آمریکا بپذیرند؛ یعنی همین هفته‌های اخیر، اسناد جدیدی آمد که به خصوص در مورد سلاح‌های شیمیایی که خود آمریکا در جنگ با ایران از عراق، به صورت همه جانبه پشتیبانی کرده است؛ این مبدأ همه‌ی آن چیزی شد که مشکلی در دنیا به نام صدام پیدا شد. اگر آمریکا در حمله‌ی عراق به ایران، از آن پشتیبانی نمی‌کرد قضیه خیلی سریع‌تر و راحت‌تر حل می‌شد. همان روزهای اول کشور ما متجاوز را از خاک خود بیرون می‌کرد. اسناد خیلی واضحی وجود دارد، اقرار و اعتراف‌های خود آمریکایی‌ها وجود دارد که پشتیبانی کردند. بدترین آن این است که در سلاح شیمیایی پشتیبانی کردند. سلاح‌های شیمیایی حزب بعث از اروپا و آمریکا آمده. این آن معضلی است که در دنیا جواب ندارد، شما بر خلاف موازین، بر خلاف حق، سال‌ها متجاوزی را حمایت کردید. این نکته‌ای است که قطعا در تاریخ باقی خواهد ماند و از لکه‌های ننگی است که برای مستکبران در تاریخ بشریت ثبت خواهد شد و اگر آن‌ها حمایت نمی‌کردند، قطعا دفاع مقدس ما هشت سال طول نمی‌کشید. در حمله‌ی به کویت، وقتی شکست به خود آن‌ها متوجه شد؛ وقتی حمله‌ی آن حیوان دست‌آموز به خودشان متوجه شد، چند روزه آمدند و قضیه را تمام کردند. ما نیاز به کمک آن‌ها نداشتیم. ملت ما از آن رشادت، صلابت، آمادگی، هوشیاری و بصیرتی برخوردار بود که همان اوایل می‌توانست شر دشمن را از خودش دفع کند که در آخر هم این شر را دفع کرد؛ اما با قیمت سنگینی. این قیمت و بهاء سنگینی که ملت ما داده در اثر پشتیبانی‌های خودشان بوده و برای این جوابی ندارند.

***طالبان زاییده‌ی آمریکا***

همان طوری که در قصه‌ی افغانستان، طالبان دست‌آموز خودشان بود و بهایی که در حادثه‌ی یازده سپتامبر، اگر بگوییم خودشان نبودند و طالبان بودند، حاصل شد و پرداختند، به خود آن‌ها باز می‌گردد. البته در قضیه‌ی یازده سپتامبر سه نظریه مطرح است: یکی این است که خودشان درست کردند و یکی این است که واقعا نمی‌دانستند و ضربه خوردند، ظاهرا این نظریه سوم درست‌تر باشد که این‌ها کم و بیش اطلاعاتی داشتند و ممانعت نکردند. می‌توانستند جلوی آن را بگیرند؛ اما چشم‌پوشی کردند تا اتفاقی بیفتد و سوژه‌ای به دستشان بیاید تا آن اهداف دراز مدت یک قرنی آمریکا را تعقیب کنند. این فرضیه‌ی سوم با گذر زمان و شواهدی که پیدا می‌شود تقویت می‌شود. من معمولا این شواهد را پیگیری می‌کنم و بیشتر ذهن این احتمال را تعقیب می‌کند. آن سیستم امنیتی و اختاپوسی که سیا دارد و آن سازمان‌های امنیتی که آمریکا دارند، بسیار بعید است این حرکت ساماندهی شده با این ابعاد وسیع را مطلع نشده باشند. به احتمال قوی اطلاعاتی در این خصوص داشته، فکر می‌کردند به این عظمت و اهمیت نمی‌شود یا اگر هم شد می‌گفتند که یک عده‌ای کشته می‌شوند و سوژه‌ای دست ما می‌آید. در هر حال همین هم به خودشان برمی‌گردد.

طالبان در قبال آن جبهه‌ی متحد شمال و آن گروه‌هایی که در افغانستان بودند وزنی نداشتند. اصلا در مقابله‌ی با روسیه، طالبان حضور نداشت. افراد پراکنده‌ای بودند. جبهه‌ها و احزاب قوی‌تر و مردم مستقیم با روسیه مبارزه می‌کردند و آن‌ها افراد کم وزن بی‌اعتباری را تقویت کردند. برای اینکه جبهه متحد شمال را کنار بگذارند تا ایران نتواند در آن‌جا حضور داشته باشد و اهدافی که در آن‌جا تعقیب می‌کردند. این برای افکار بشری باقی است که صدام و طالبان دقیق که ارزیابی شود به خودشان بر می‌گردد.

***اهداف کلان آمریکا از طرح این مسائل***

**حل مسئله‌ی انرژی**

آنچه الان مهم است این است که آمریکا همه‌ی این‌ها را برای یک هدف خیلی کلان‌تر تعقیب می‌کند. اهدافی که یک قرن و دو قرن را پیش‌بینی می‌کند که یکی‌ از آن‌ها بحث نفت و انرژی است که بحث کمی نیست. چند دهه است که تلاش‌های علمی وسیعی به عمل می‌آید برای اینکه انرژی جایگزین نفت و گاز و اینها را پیدا کنند؛ اما هنوز به آن شکل حل نشده است. این قضیه و تحلیل‌های غربی‌ این است که در قرن بیست و یکم هم نیازمند انرژی دنیای اسلام و خاورمیانه هستند. این یک عاملش است.

**شکست اسرائیل**

عامل دیگری که آن‌ها از گسترش اسلام از اتحاد اسلامی از وحدت اسلامی هراس دارند این است که اسرائیل شکست بخورد. اسرائیل برای آن‌ا یک استراتژی بسیار مهم است که باید در منطقه بماند و به این هم اکتفا نمی‌کنند. قطعا بدانید که غربی‌ها برای اینکه به این اندازه که اسرائیل باشد اکتفا نمی‌کنند، آن‌ها به بقاء اسرائیل بسنده نمی‌کنند. آن‌ها می‌خواهند اسرائیل در منطقه نفوذ داشته باشد. در منطقه نفوذ اقتصادی، نفوذ تبلیغاتی و نفوذ فکری داشته باشد. همه‌ی تلاش‌ها برای این است. قطعا کسی از این طرف هم کوتاه بیاید، او کوتاه نمی‌آید. او به دنبال چنین هدفی است.

**نقش علمای دینی و شیعیان در مداخله‌های اجانب**

کنفرانس لندن که برگزار شده که البته در شرایط بسیار سختی نیروهای اسلامی در آنجا قرار دارند. اینکه به طور کلی خود را از کنفرانس لندن کنار بکشند، یک محذوراتی دارد. همراهی با جریانی که آمریکایی‌ها نهایتا می‌خواهند استفاده کنند محذوراتی دارد. یک مسیری را طی می‌کنند؛ البته این به خود احزاب و جناح‌های عراق بر می‌گردد. اما آنچه که مهم است این است که متأسفانه در طول یک قرن اخیر، بارها عراق در معرض خطر بیگانه قرار گرفته است. حوزه‌ی نجف، علمای دین و جناح‌های مذهبی و مسلمان‌ها و به خصوص شیعیان در قبال و برابر تجاوز خارجی مقاومت کردند. چند نقطه‌ی عطف و سرفصل مهم در تاریخ عراق ثبت است که از حوزه نجف، علماء، مسلمان‌ها و به خصوص از شیعیان در برابر دشمنان و متجاوزان مقاومت شده و اگر آن‌ها نبود عراق وضع دیگری داشت. اما در مقام عمل و حکومت، همیشه وزن مسلمانان و شیعیان کمترین وزن بوده است. آن چیزی که مهم است این است که هم با دیپلماسی ایران، هم با فعالیت خود آن‌ها به هر حال در این اوضاع و احوال تلاش شود که بخشی از اهدافی که آمریکا تعقیب می‌کند تحقق پیدا نکند. اما خیلی کار ظریف و حساس و دقیقی است و امیدواریم که ضمن اینکه شر عراق دفع می‌شود؛ اما به صورت هجوم بیگانه این قضیه اتفاق نیفتد.

این کار برای هیچ کشوری خوب نیست. حتی همین دیروز وزیر خارجه عربستان سعودی علی رغم اینکه، بهانه‌هایی دست آمریکا هست با آن قطعنامه سازمان ملل، باز هم عربستان واکنش نشان داده و گفته است که خوب نیست که این حمله به عراق صورت بگیرد. به هر حال این سنت بسیار بدی است که اگر پایه‌ریزی شود. به همه‌ی دنیا لطمه می‌زند و همه‌ی کشورها و حتی مثل عربستان از آن، ضرر می‌بینند. من منتقل به بخش داخل کشور شوم.

***تضعیف ارکان ایمانی مردم توسط مسولین کشور***

ما در شرایط واقعا حساسی هستیم، مطمئنا تندروی‌ها و افراط‌هایی که در بعضی جناح‌ها اتفاق می‌افتد چیز بدی است. اینکه ما ارکان ایمانی و دینی نسل جوان و جامعه را تضعیف کنیم، آنها را نسبت به ارزش‌ها و پایه‌های اعتقادی و فکری ضعیف کنیم و راه باز کنیم که متأسفانه در میان مسئولان این هست، راه را باز کنیم که کسانی بیایند و جناح‌های غیر معتقدی بیایند و ارکان ایمانی و اعتقادی مردم را تضعیف کنند این خطرناک‌ترین کاری است که می‌شود برای کشور کرد. ما امروز بیش از هر زمانی نیازمند این هستیم که بر محور درست قانون و رهبری اجتماع پیدا کنیم و از آن تندروی‌ها، از سست کردن پایه‌های ایمانی، از ضعف آن نمادهای اسلامی و دینی در جامعه خودمان را بر حذر بداریم و پیش‌قدم این کار هم باید دانشگاه‌ها باشند. باید خود نسل جوان باشد. ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم از بیرون چیزی را بر کسی تحمیل کنیم مگر اینکه خود آن‌ها بفهمند. فقط آنچه که مهم است این است که کسی نیاید آن‌ها را گمراه کند و بی‌جهت آن‌ها را به اشتباه بیندازد. بقیه‌اش را خود مردم تشخیص می‌دهند. اهم و مهم را می‌شناسند و این موقعیت خطیر موقعیتی است که ما بیش از هر زمانی احتیاج به تقویت مبانی دینی و کار برای حل مشکلات کشور داریم. کشور مواجه با مشکلاتی است که اگر کار نشود، ما بالاخره آسیب پذیریم و این آسیب‌پذیری را باید با کار و تلاش و برنامه‌ریزی حل کرد و امیدواریم که این آگاهی و هوشیاری و بیداری در همه‌ی ما و همه‌ی جناح‌های سیاسی ما پیدا شود و در مسیر وحدت و انسجام بیش از گذشته قرار بگیریم.

***نکاتی در رابطه با منطقه***

**انتقال ادوات راه‌سازی به مرکز استان**

اما نکته‌ی آخری که من اینجا عرض می‌خواهم بکنم. دو مطلب مربوط به منطقه است. یکی بحث اداره راه است. من اولا باید از مدیر کل راه که در طول سال‌های گذشته همراهی‌های خوبی با شهر داشتند و کمک کردند و مشکلاتی را حل کردند تشکر کنم و نکته‌ای که الان دارد اتفاق می‌افتد و امیدواریم که مسئولان محترم اداره کل راه و جهاد کشاورزی و بنیاد مسکن همکاری کنند. با توجه به اینکه طبق قوانین کشور بخشی از ماشین‌ها و ماشین‌های راه‌سازی که در دو اداره‌ی جهاد و بنیاد هست، اینها تفکیک می‌شود. بعضی از آن باید به اینجا منتقل شود؛ چون اداره راه ندارد. خیلی از این‌ها باید منتقل به مرکز استان شود و در منطقه و شهر مطلقا چیزی باقی نمی‌ماند. این یک خطری است البته صحبت شده قول‌هایی هم داده‌اند. امیدوارم که هم مدیر کل محترم جهاد کشاورزی، هم مدیر کل محترم راه همکاری کنند و سریع‌تر با توجه به تحولات قانونی که پیش آمده اداره راه در ابتدا یک راهدارخانه‌ای به میبد بدهند تا آن ماشین‌آلاتی که برای راه‌سازی و ارائه خدمات به اطراف و روستاها و مناطق مختلف شهر هست، حل شود. من بیش از این دیگر در مورد این مسئله صحبت نمی‌کنم؛ چون دیگر ضرورتی نمی‌بینیم. چون با دل‌سوزی و همکاری‌ای که هم جهاد کشاورزی دارند و هم اداره راه دارند، این مشکل حل شود و مردم هم خیلی در چند ماه گذشته مراجعه کردند. قسمت‌هایی از آن قانون بود که به قانون تمکین شد و طبق قانون کشوری عمل می‌شود؛ اما امیدواریم که اداره راه، تأسیس شود تا کل ماشین آلات و چیزهایی که مربوط به راه‌سازی و ارائه خدمات به مردم است، از منطقه بیرون برده نشود. مردم به این حساسند و مسئولین هم پیگیرند. امیدواریم که مسئولان استان طبق قول‌هایی که داده‌اند، سریع‌تر این مشکل را حل کنند.

**کمربندی شهر میبد**

نکته‌ی دیگری که می‌خواهم تأکید کنم بحث کمربندی است. البته مدیر کل محترم راه همکاری بسیار خوبی در این مقاطع داشتند. امیدواریم که این طرح که چند بار صحبت شده و مسئولین با آن موافقت کردند و کارهای مطالعاتی آن هم انجام شده، زودتر به سرانجام برسد.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دلهای ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر(عج) ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

**بسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يلِدْ وَلَمْ يولَدْ وَلَمْ يكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ[[14]](#footnote-14)**

1. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197 [↑](#footnote-ref-3)
4. . الکافی، ج 3، ص 70. [↑](#footnote-ref-4)
5. . همان. [↑](#footnote-ref-5)
6. . همان. [↑](#footnote-ref-6)
7. . همان. [↑](#footnote-ref-7)
8. . همان. [↑](#footnote-ref-8)
9. . همان. [↑](#footnote-ref-9)
10. . همان. [↑](#footnote-ref-10)
11. . بحار الانوار، ج 77، ص 328. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-12)
13. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-13)
14. . سوره الاخلاص [↑](#footnote-ref-14)